وحدت اسلامی گامی فراتر از تقریب از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

وحدت اسلامی گامی فراتر از تقریب از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی

بسم الله الرحمن الرحیم

دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد وحدت اسلامی:

Pانَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اخْوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ اخَوَيْكُمْ0([1]).

مؤمنان برادر یکدیگرند پس میان برادران صلح برقرار سازید.

مقدمه:

امام خميني(ره) يكي از مهمترين و موفقترين مناديان وحدت و اتحاد بودند كه از آغاز دعوت خود در سال 1363 هـ ق تا آخرين روزهاي عمر پر بركتشان مسئله وحدت، محور و اساس پيامشان بود، كه نه تنها از نظر سياست الهي كه برپايه توحيد و همبستگي است بلكه از نظر عرفاني و فلسفي، اعتقادي و اخلاقي، فقهي و عملي، صميمانه به آن ايمان داشتند.

آنچه اغلب مصلحين جهان اسلام بمانند سيد جمال الدين اسد آبادي، و شيخ حسن البناء و رجال تقريب و مجمع جهاني تقريب به آن مي انديشند، تقريب يعني نزديك شدن پيروان مذاهب اسلامي پيرامون مشتركات با حفظ مفترقات و كيان طرفين است، اما امام خميني (ره) در سطح بالاتري مي‌انديشيدند و همواره مسلمانان جهان را به وحدت واسلام ناب محمدي فرا مي‌خواندند و هرگز كلمة تقريب رابكار نبردند.

اين مقاله بر آنست كه بمناسبت كنگرة وحدت اسلامي در سال امام خميني (ره) با كلام امام خميني (ره) به تفسير ديدگاه ويژة امام خميني (ره) بپردازد. تا روشن شود كه چگونه مسلمانان مي‌توانند فراتر از تقريب به سوي وحدت اسلامي گام بردارند.

1 ـ توحيد كلمه مقصد انبياء عليهم السلام:

از نظر امام خميني (ره) يكي از مقاصد بزرگ شرايع و انبياء عظام، سلام ا عليهم، توحيد كلمه و توحيد عقيده است كه وسيله پيشرفت مقاصد بزرگ و دخيل نام در تشكيل مدينة فاضله و جلوگيري از تعديات ظالمانه و مصلح فردي و اجتماعي است.

و اين مقصد بزرگ انجام نگيرد مگر در سايه وحدت نفوس، و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبي و صفاي باطني و ظاهري در سايه اين وحدت افراد جامعه طوري شوند كه نوع بني آدم تشكيل يك شخص دهند و جمعيّت به منزله يك شخص باشد و افراد به منزلة اعضاء و اجزاي آن باشد، و تمام كوششها وسعيها حول يك مقصد بزرگ الهي و يك مهم عظيم عقلي، كه صلاح جمعيّت و فرد است، چرخ زند و اگر چنين مودّت و اخوّتي در بين يك نوع با يك طايفه پيدا شدبر تمام طوايف و مللي كه بر اين طريقه نباشند، غلبه كند. چنانكه در اوائل طلوع اسلام، چون شمه‌اي از اين اتحاد وحدت در بين مسلمين بوده، در مدت كمي چه فتوحات بزرگي كردند، در اندك زماني به سلطنتهاي بزرگ آن زمان كه عمدة آن ايران و روم بود، غلبه كردند و ياعدة كم بر لشكرهاي كران و جمعيّتهاي بي‌پايان غالب شدند و پيغمبر اسلام عقد اخوّت

بين مسلمين اجرا فرمود و به نص انما المؤمنون اخوه،([2]) اخوت بين تمام مؤمنين برقرار شد([3]).

2 ـ وحدت رمز قدرت

امام (ره) افراد جامعه‌اي كه مي‌خواهند به مقصدي واحد نائل گردند به قطره‌هاي باران تشبيه مي‌كنند كه اگر قطره‌اي از ديگر قطره‌ها جدا باشد، يك برگ را هم تر نمي‌كند و اگر ميلياردها قطره وجود داشته باشند اما پراكنده، باز كاري از آنها بر نمي آيد، حال اگر با هم اتصال پيدا كردند، نهري تشكيل مي‌دهند و مي‌توانند زميني را آبياري كنند، و اگر اين نهر با ساير نهرها متصل شد، رودخانه‌اي تشكيل مي‌دهد و قدرتش زياد مي‌شود.

و گاهي آنچنان قدرت پيدا مي‌كند كه مي‌تواند با خروش خود درختان وبناها را خراب كنند، واگر همه رودخانه‌ها در يك جا جمع شوند، درياچه‌اي تشكيل مي‌دهند و قدرتش آنقدر افزون مي‌گردد كه يك موجش كشتيها را مي‌شكند.

جامعة ما هم همينطور است، اگر صد ميليون يكي يكي باشند، كاري از آنها بر نمي‌آيد هر كدام به اندازه خودشانند و قدرتشان مانند قطره‌ها بسيار محدود، اگر جمعي با او هم عقيده شدند و باهم در مقصدي شركت كردند، قدرتي است كه از آن كارهاي محدودي مي‌آيد، اما اگر جمعيت ديگري باشند كه در اين راه مخالف و مزاحم باشند، بواسطه اين مزاحمت كارها خنثي مي‌شود نه او به مقصد مي‌رسد نه دستة مخالف و مزاحم.

اينكه مي‌بينيد يك ميليارد مسلمان زير سلطه ابرقدرتي دويست ميليوني هستند به اين علت است كه آن دويست ميليون باهم در مقصدي اجتماع دارند اما اين يك ميليارد جمعيّت مسلمان باهم اجتماع ندارند و مخالف هم هستند([4]).

3 ـ وحدت رمز پيروزي انقلاب اسلامي ايران

امام خميني (ره) پيروزي انقلاب اسلامي را كه رمز آن وحدت بود به عنوان نمونه ذكر كرده مي‌فرمايند: همه مردم جهان قدرت ملت ايران را در اثر وحدت كلمه ديدند كه با ايمان چه كرد و چگونه بادست خالي

جلو افتاد و سلطنت 2500 ساله را از بيخ كند و با اينكه همه قدرتها مثل امريكا پشتيبانش بودند، نتوانستند كاري بكنند، اگر اين وحدت كلمه را حفظ نكنيم دوباره ما را به حال اول يابدتر بر مي گردانند([5]).

بايد همه دست به هم بدهندهر كسي به هر مقدار كه قدرت دارد، خيال نكند يك نفر است وقتي پهلويش نفرها واقع شد همچون قطره‌هاي متصل سيل مي‌شود و چون سيلها با هم متحد شدند دريا درست مي‌شود.

جماعت وقتي كه باهم شدند پشتيبانشان خداي تبارك و تعالي است: يدا مع الجماعة([6]).

4 ـ تاكيد قرآن بر وحدت

در قرآن كريم با تعبيرهاي مختلف روي قضيه وحدت با تعبيرهاي مختلف پافشاري و به مردم گو شزد شده است([7]).

خداوند در قرآن و اعتصموا بحبل ا جميعاً ولا تفرقوا([8])، رابر مردم واجب كرده همه باهم باشيد و تفرق در كار نباشد. با تفرّق همه فسادها هست و با تمسك به خداوند همه صلاح و سعادتها([9]).

5 ـ تلاش پيامبر اكرم (ص) براي وحدت

در روايت حضرت رسول (ص) آمده است كه مؤمنين يك دست هستند (المؤمنون يد واحده علي من سواهم) ([10]). وحتي تعبير دو دست نفرمودند، و بايد شما اجتماع و وحدتتان را به جايي برسانيد كه بين خودتان جدايي نبينيد و اين دستور اسلامي است كه بايكديگر برادر باشيد كه هيچ قدرتي نتواند بر شما چيره شود([11]).

پيغمبر اسلام مي‌خواست در تمام دنيا وحدت كلمه ايجاد كند. مي‌خواست تمام ممالك دنيا تمام ربع مسكون را تحت كلمة توحيد قرار بدهد. منتهي اغراض سياسي آنوقت از يك طرف، اغراض علماي نصاري و يهود و غيره از طرف ديگر مانع شد از اينكه ايشان بتوانند آن كار را انجام بدهند. الان هم مانع هستند.

6 ـ اتحاد و برادري پيامبر اكرم (ص) و علي (ع):

امام خميني، اتحاد و برادري ميان پيامبر اكرم (ص) و علي (ع) را به عنوان الگو و نمونه معرفي كرده مي‌فرمايند:

همانطور كه ايندوبزرگوار (پيامبر اكرم (ص) و حضرت علي(ع) در عالم غيب باهم متحد بودند در اين دنياهم كه آمدند اخوت و برادري داشتند و يك بودند و اين بايد براي ما عبرت باشد ما هم برادري خودمان را حفظ كنيم، از آن اخوتي كه بين آن دو بزرگوار بود تبعيّت كنيم، آنها در تمام ايام عمرشان باهم بودند و پشتيبان هم([12]).

7 ـ تلاش امام علي بعد از پيامبر (ص) براي حفظ وحدت

آنگاه امام خميني به تلاش حضرت امير (ع) براي حفظ وحدت بعد از رحلت پيامبر اكرم (ص) اشاره كرده مي‌فرمايند:

«حضرت امير سلام ا‌ عليه در بسياري از اموري كه برايش خيلي سخت بود، دندان روي جگر مي‌گذاشت و مو افقت مي‌كرد، براي مصالح كلي، براي مصالح اسلام، ما اگر از او تبعيت داريم بايد اينطورباشيم»([13]).

8 ـ عوامل وحدت:

عوامل وحدت از نظر امام خميني (ره) عبارتند از:

1 ـ اتكال به خدا

ملّت ما به واسطة وحدت كلمه و توجه به اسلام و ديانت اين راه را تا اينجا آمد در صورتيكه قدرت دست آنها بود و ملت ما جز مشت و خون چيزي نداشت لكن اتكال به خدا كرد و وحت كلمه در بين همه اقشار حاصل شد به طوري كه ديگر ابرقدرتها هم نتوانستند او (شاه) رانگهدارند([14]).

2 ـ اسلام

اين اسلام بود كه همه را باهم مجتمع كرد و اين اسلام بود كه شما را پيروز كرد و اين اسلام است كه

سعادت همه انسانها را تامين مي‌كند([15]).

3 ـ ايمان

رمز پيروزي، وحدت كلمه بود و ايمان وحدت كلمه را آورد كه سرتاسر اين مملكت همه باهم اجتماع كردند، و شهادت را براي خودشان فوز دانستند([16]).

4 ـ رحماني بودن

مابايد الهي بشويم، در راه خدا خدمت بكنيم، خودمان رافرمانبر خدا بدانيم، خودمان را از او و به سوي او بدانيم. آنوقت وحدت و انسجام حاصل مي‌شود براي اينكه تفرقه از شيطان است و وحدت كلمه و اتحاد از رحمان است وقتي كه شما رحماني شديد دنبال او ديگر تفرقه و اختلاف حاصل نمي‌شود([17]).

5 ـ توجه به معنويت

توجه به معنويت و تكليف الهي و ياد خداوند باعث مي‌شود كه اين وحدت محفوظ و اين برادري برقرار ماند. خوف آن است كه اسلحه در دست شما جوانان عزيز موجب غرور و سركشي شود و آن تحول روحاني عظيم از دستتان برود و شيطان نفس اما ره شما را به دام كشد و با سوء رفتار با برادران خود صدق و صفا رخت بربندد([18]).

6 ـ ضيافت ا

اگر در اين ضيافت وارد شده باشيد، دشمنها دستشان كوتاه خواهد شد و تمام اختلافات در دنيا حل مي‌شود([19]).

7 ـ ارادة الهي

اين وحدت كلمه را خدا ايجاد كرد، من نمي‌توانم تصور كنم كه بشر بتواند يك ملت سي و چند ميليوني را در مدت كوتاهي اين طور، همزبان وهم قلب بكند([20]).

... من اين طور فهميدم كه خداي تبارك و تعالي در اين مسئله نظر دارد([21]).

8 ـ لطف و تاييد الهي

امروز روز اتحاد و يگانگي است و اين هم از الطاف بزرگ و تاييدات الهي است كه درست بر خلاف تصور و خواست فتنه انگيزان و جنگ افروزان، همه توطئه‌ها و جنگها به اتحاد و يكپارچگي ملت بيدار و زندة مادر برابر ابرقدرتها مي‌انجامد([22]).

9 ـ نماز جمعه

امام خميني (ره) يكي از حكمتهاي اقامه نماز جمعه را حفظ وحدت و جلوگيري از عوامل تفرقه مي‌دانستند و در احكامي كه براي نصب ائمه جمعه صادر مي‌كردند اين امر مهم را خاطر نشان مي‌ساختند:

« مردم را در خطبه‌هاي نماز جمعه به اتحاد و وحدت كلمه دعوت نمائيد، اميد است اهالي محترم از اين فرصت استفاده نموده و به اجتماع بيشتر و هر چه باشكوهتر آنرا انجام دهند»([23]).

10 ـ فريضة حج

لازم است زائرين محترم بيت ا الحرام از هر ملت و مذهبي كه هستند به فرامين قرآن كريم گردن نهند و در مقابل سيل شيطاني بنيان كن اسلام زدايي شرق و غرب و وابستگان بي ارادة آنان، دست اخوت اسلامي به هم دهند و به آيات شريف الهي كه آنان را به اعتصام به حبل ا فراخوانده و از تفرقه و اختلاف تحذير و نهي فرموده است، توجه كنند([24]).

11 ـ امامت و تشكيل حكومت

متاسفانه بعضي از دوستان نادان مسئله امامت و ولايت را وسيله‌اي براي اختلاف و تفرقه قرارداده در صورتيكه فلسفة امامت براي حفظ نظام و تبديل افتراق مسلمانان به وحدت است.

امام خميني در اين باره مي‌فرمايند:

«تشكيل حكومت براي حفظ نظام و وحدت مسلمين است، چنانكه حضرت زهرا سلام ا عليها در خطبة خود مي‌فرمايد كه: امامت براي حفظ نظام و تبديل افتراق مسلمين به اتحاد است»([25]).

12 ـ اجتماعات مذهبي عاشورا

مجالسي كه به اسم روضه خواني برپا مي‌كنيم، همه‌اش اخلاق و احكام و عقائد است. آخر منبر هم مظلوميت آن شهيدي كه در راه دينداري فداكاري كرد.

اين شعار مذهبي بهترين شالوده براي حفظ وحدت ملي است كه با آن هيچ حكومتي تزلزل پيدا نمي‌كند. يكي از بزرگترين رمز حيات دنياي شيعه قضيه سيد الشهداء است.

شما در كجا سراغ داريد كه يك ملتي اين طور هماهنگ بشود، اين دستجات با آن محتوي را در كجاسراغ داريد. برويد هندوستان همين بساط، برويد پاكستان همين بساط، برويد اندونزي همين بساط، برويد عراق همين بساط، برويد افغانستان، هر جا برويد همين بساط. اين هماهنگي را از دست ندهيد([26]).

9 ـ عوامل تفرقه:

از نظر امام خميني (ره) عوامل تفرقه مسلمين از اينقرار است:

1 ـ سب ولعن و مطاعن

متاسفانه بعضي از افراد متعصب و نادان با سب و لعن و نبش قبور كتب مطاعن، ديگران را عليه شيعه تحريك مي‌كنند و در اثر آن جمع متحد مسلمانان را از هم جدا مي‌سازند و احزاب و فرقه‌ها پديد مي‌آورند و هر حزب و باندي نسبت به آنچه مي‌كنند شادمانند و به تعبير قرآن: كل حزب بما لديهم فرحون.

امام خميني (ره) اين كار را خيانت به اسلام دانسته مي‌فرمايند:

«يكي جزوه مي‌دهد، و كسي را لعن مي‌كند و يكي جزوه مي‌دهد و آنرا تعريف مي‌كند، هر دو امروز غلط است، دست از ناداني برداريد، خيانت به اسلام نكنيد، آنهايي كه با اسلام دشمن هستند، شما را تحريك

نكنند. اين تفرقه امروز خيانت به اسلام است با هر اسمي كه باشد»([27]).

2 ـ بر افروختن اختلافات تاريخي

در صدر اسلام كه مقام خلافتي بود و خلفا زنده بودند، حضرت امير سلام ا عليه و يارانشان، اختلافات را در دائره معقولي محدود و به تعبير امام خميني (ره) تبديل به آرامش و همكاري كردند متاسفانه اكنون كه نه خليفه‌اي است و نه مقام خلافتي دشمنان استعمارگر مي‌كوشند تا بر افروختن اختلافات تاريخي مربوط به هزار و چهار صد سال پيش، مسلمانان رادچار تفرقه كنند.

امام خميني (ره) درباره اين عامل تفرقه صريحا مي‌فرمايند:

«امروز سر ولايت امير المؤمنين (ع) اختلاف كردن، خيانت به اسلام است امروز اين حرفها را طرح نكنيد، مبادا با اعمال شما اسلام فراموش شود. مبادا با اعمال شما اسلام دفن شود، اگر دلسوز اسلام و ملت و كشورتان هستيد دست از تفرّق برداريد و اين طرح شيطاني راخنثي كنيد. سر يك نفر آدم كه آيا كافر است يا مسلم بر سر هم نزنيد. به اين مسائل توجه كنيد، مي‌خواهند شما را به جان هم بريزند و آنها نتيجه بگيرند»([28]).

3 ـ تعصبات جاهلانه

يكي از عوامل مهم تفرقه، توصيات جاهلانه است كه اسلام با آن به مبارزه برخاسته و پيامبر اكرم (ص) در بارة آن فرموده‌اند: كسي كه در دلش خردلي از عصبيت باشد، خداوند او راروز قيامت با عربهاي جاهليّت برانگيزاند([29]).

امام خميني (ره) مي‌فرمايد: عصبيّت، يكي از اخلاق باطنة نفسانيه است كه آثار آن مداخله كردن و حمايت نمودن از خويشاوندان و مطلق متعلقان است، چه تعلق ديني و مذهبي و مسلكي باشد، يا تعلق وطني و آب و خاكي و غير آن، كه منشا بسياري از مفاسد اخلاقي است وخود آن في نفسه مذموم است گرچه براي حق با امر ديني باشد و منظور اظهار حق نباشد، بلكه منظور غلبه خود باهم مسلك خود يابستگان خود باشد([30]).

4 ـ ملي گرايي

يكي ديگر از عوامل تفرقه، ملي گرايي است، پيغمبر اكرم (ص) مردم عرب، فارس، روم و... را از ملي گرايي به اسلام گرايي، و از اسلام به ايمان و از ايمان به تقوي و مهاجر في سبيل ا ارتقاء دادند و در نتيجه همه مسلمانان ملل مختلف را متحد ساختند. استعمار غرب مي‌كوشد تا مسلمانان تعرب بعد از هجرت نموده و به حالت ابتدايي ارتجاع كنند. امام خميني (ره) در اين باره چنين مي‌فرمايند:

«آن چيز مهمي كه دول اسلامي را بيچاره كرده و از ظل قرآن كريم دور مي‌كند، نژاد بازي است، اين نژاد ترك است بايد نمازش را هم تركي بخواند. اين نژاد ايراني است بايد الفبايش چه جور باشد. آن نژاد عرب است، عروبت بايد حكومت كند نه اسلام، نژاد آريايي حكومت كند نه اسلام، نژاد ترك بايد حكومت كند نه اسلام، نژاد پرستي يك مسئله بچه‌گانه است كه سران دول را دارند بازي مي‌دهند. غافل از اينكه نكتة اتكايي كه همه مسلمين داشتند از مسلمين گرفتند، همين نژاد بازي كه اسلام قلم سرخ روي آن كشيد و يا بين سياه و سفيد و ما بين ترك و عرب و عجم هيچ فرقي نگذاشت و فقط ميزان را تقواي واقعي قرارداد: ان اكرمكم عند ا اتقاكم.

اسلام فقط اتكاست، ترك و فارس و عرب و عجم ندارد، قضيه نژادبازي ارتجاعي است چرا مسلمين با هم جنگ مي‌كنند براي اينكه در تحت لواي اسلام نيستند!

5 ـ فرقه گرايي

امام خميني (ره) معتقد بودند كه اگر مسلمانان جهان از حصارهاي فرقه‌اي كه بعد از پيامبر اكرم (ص) به دور خود كشيده‌اند آزاد سازند و به سوي اسلام ناب محمدي باز گردند، از كثرت فرق و مذاهب فقهي و كلامي به وحدت مي‌رسند و در مي‌يابند كه خداوند يك دين بيشتر ندارد و آن دين حنيف اسلام است. وما نبايد با ديدگاههاي مختلف فقهي و كلامي مجتهدين را وسيله‌اي براي تقسيم اسلام به فرق گوناگون قرار دهيم، و آنگاه به نفي اسلام يكديگر بپردازيم همچنانكه بني اسرائيل دين حنيف ابراهيم را به صورت دو دين يهود و نصاري تقسيم كردند و هر كدام ديگري را بي‌اساس خواندند در حاليكه هر دو دسته كتاب آسماني را مي‌خواندند.

وقالت اليهود ليست النصاري علي شء وقالت النصاري ليست اليهود علي شء وهم يتلون الكتاب.

خداوند مي‌فرمايد كساني كه نمي‌دانند سخني مانند سخن اينان مي‌گويند: قال الذين لا يعلمون مثل قولهم([31]).

همينطور امام خميني (ره) با تقسيم كردن مسلمانان به فرقه‌هاي گوناگون بطوريكه در برابر يكديگر باشند مخالف بودند و همواره از مسلمانان جهان مي‌خواستند باكنار گذاشتن اين حصارهاي تعصب فرقه‌اي همگي به اسلام ناب محمدي باز گردند و در ديدار با علماي اسلامي فرمودند:

«يك دسته از مسلمانان شيعه هستند و يك دسته‌اي از مسلمانان سني، يك دسته حنفي و دسته‌اي حنبلي و دسته‌اي اخباري هستند، اصلاً طرح اين معني (واين دسته بنديها) از اول درست نبوده. در يك جامعه‌اي كه همه مي‌خواهند به اسلام خدمت كنند و براي اسلام باشند، اين مسائل نبايد طرح شود. ما همه برادر هستيم و باهم هستيم، منتهي علماي شما يك دسته فتوي به يك چيز دادند و شما تقليد از علماي خود كرديد و شديد (به عنوان مثال) حنفي، يك دسته فتواي شافعي را عمل كردند و يك دسته فتواي حضرت صادق را عمل كردند، اينها شدند شيعه.

اينها دليل اختلاف نيست، ما نبايد با هم اختلاف و تضاد داشته باشيم، ما همه باهم برادريم. برادران شيعه و سني بايد از هر اختلافي احتراز كنند»([32]).

نتيجه گيري

بناي رفيع و با شكوه فرهنگ و تمدن اسلام بر پاية توحيد بنا شده كه در ساختن آن ماهر ترين و پاكترين مهندسين از سرزمينهاي مختلف سهيم بودند. اين بناي عظيم ساخته فكر و انديشه كسي نبود بلكه ايمان و اشتياق مسلمانان به اسلام و رضاي پروردگار آن را به وجود آورده بود و براي پژوهش دربارة آن علما و انديشمندان ملل اسلامي دست به دست هم دادند و خود را از هرگونه تعصب قومي و فرهنگي بجز قوميّت اسلام و فرهنگ قرآن، عاري ساختند، عرب، عربي بودن و فارس، فارسي بودن و رومي، روم بودن خود را فراموش كرد و خود را در خدمت اسلام و زبان قرآن قرارداد و دستجمعي بناي فرهنگ و تمدن اسلامي را بنانهادند.

قسمت اعظم آن را مستقيما از اسلام گرفتند، و بخشهايي از علوم ساير ملل جهان را با تغيير و تصرفاتي در خدمت اسلام درآوردند تا آنجا كه فلسفة يونان را كه عقائد دوگانه و تثليث مي‌شد، به رنگ اسلام در آوردند و براي اثبات توحيد و معاد از آن استفاده كردند.

اين فرهنگ و تمدن در سطح جهاني بدرخشيد زيرا كه به همه مسلمانان تعلق داشت و همه خود را در آن شريك مي‌دانستند هر عالم و دانشمندي حق عضويت و شركت در هر بحثي و مراجعه به هر كتاب و اخذ هر

راي و نظريه‌اي داشت و هيچ كس به ديگري كه با او هم عقيده و هم فكر نبود جز با نظر تقدير و برادري نمي‌نگريست. خليفه در بغداد كرسي تدريس كلام را به شيخ طوسي سپرد و بسياري از علماي اهل سنت در درس اين عالم امامي شركت مي‌كردند و فقهاي بزرگ شيعه چون شهيد اول و شهيد ثاني در حوزه‌هاي اهل سنّت شركت مي‌جستند.

متاسفانه نسلهايي وارث اين خانه فرهنگ و تمدن اسلامي شدند كه در آن به نزاع برخاستند و پرده‌هايي ميان خود برافراشتند و هر دسته‌اي در قسمت خود مستقل و مجزا شدند و از ورود ديگران جلوگيري كردند و بدينگونه فرهنگ و تمدن اسلامي از جنبة عمومي و اجتماعي به مذاهب بسته تبديل گشت و از مليت عمومي به ملوك الطوايفي محدود، تنزل نمود و هر عالم و دانشمندي در محيط كوچك خود خانه نشين شد و از آنچه در ساير مذاهب بود چشم فروبست و دريافته‌هاي تعصب ورزيد و با هر آنچه نمي‌دانست به دشمني برخاست.

و دستهاي سياست، پردهاي ميان فرقه‌ها را به ديوارها و حصارهاي مليّت مبدل ساخت تا جائيكه حتي در كنار خانه خدا براي هر مكتب فقهي مقامي ساخته شد و هر فرقه‌اي براي خود نماز جماعت جداگانه تشكيل مي‌داد.

هدف امام خميني (ره) اين بود كه با برداشتن ديوارها و حصارهاي مليت و نژاد و كنار زدن پردهايي كه فرق گوناگون ميان خود برافراشته‌اند، اسلام ناب را آشكار سازند و مسلمانان جهان را به وحدت واقعي خود برسانند، بي‌آنكه مكتبهاي فقهي و كلامي و تفسيري را لغو و يا درهم ادغام كنيم.

([1]). حجرات:10.

([2]). سوره حجرات: 10.

([3]).چهل حديث، 309 ـ 311.

([4]).امام خميني 9/8/57، صحيفه نور ج 2، ص 246 ـ 248.

([5]).امام خميني ـ صحيفه نور ـ ج 5 ص 53 ـ 54.

([6]).همان ج 6، ص 79.

([7]).صحيفة نور، ج 16، ص 4.

([8]).سوره آل عمران: 103.

([9]).صحيفة نور: ج 7، ص 218.

([10]).بحار الانوار، ج 28، ص 104.

([11]).امام خميني 16/10/61.

([12]).امام خميني 1/1/66.

([13]).امام خميني 23/12/65، صحيفة نور، ج20، ص 74 ـ 75.

([14]).امام خميني 19 / 1/58.

([15]).امام خميني 12/3/58.

([16]).امام خميني 25 / 3/ 58.

([17]).امام خميني 19/11/61.

([18]).امام خميني 12/1/62.

([19]).امام خميني 27/2/67.

([20]).امام خميني 27/11/57.

([21]).امام خميني 25/7/59.

([22]).امام خميني 25/7/59.

([23]).امام خميني 22/8/58.

([24]).امام خميني 29/6/61.

([25]).امام خميني، ولايت فقيه، ص 26 ــ50 و رساله نوين ج 4، ص 145.

([26]).امام خميني 29/8/58.

([27]).امام خميني 15/4/58.

([28]).امام خميني 15/4/58

([29]).كافي، ج 2، كتاب الايمان، باب العصبية، ح 3.

([30]).امام خميني، چهل حديث، ص 125 ــ 126.

([31]).سوره بقره: 113.

([32]).امام خميني: 8 / رمضان / 1400.